

موضوع‌گیری برتولت برشت نسبت به مسایل سیاسی و اجتماعی روز در اشعار آغازین او

محمد حسین حدادی*

دانشیار گروه آلمانی دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی دانشگاه تهران، تهران، ایران

حسین سرکارحسن خان**

استادیار گروه آلمانی دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی دانشگاه تهران، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۰۹، تاریخ تصویب: ۹۶/۰۲/۳۱)

چکیده

نمایشنامه‌های برتولت برشت با ویژگی‌های نارسطویی خود، وی را در ادبیات آلمان و جهان بیشتر به عنوان نمایشنامه‌نویسی پیشرو و خوش ذوق مطرح کرده است تا شاعری رومانتیک. اما اشعار وی نیز، به دلیل غنای محتوایی آن، در خور بررسی دقیق هستند. اشعار برشت نیز همچون نمایشنامه‌های او نوعی واکنش به مسایل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی روز هستند و می‌توان آنها را سندی بر تفکر سیاسی او دانست. اشعار متقدم برشت به خاطر نگرش سیاسی وی خواننده را به چالش با اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زمان وامی‌دارد، بررسی این نکته می‌تواند آینه‌ای باشد برای نمایش سیر تفکر برتولت برشت در آثار غنایی و نمایشی وی. سیر تفکر برتولت برشت در ادبیات غنایی وی نشان از آن دارد که اشعار متقدم وی بیانگر انتقاد شدید و بی‌پرده از اوضاع نابسامان سیاسی و اجتماعی در نخستین سال‌های پس از جنگ جهانی اول و عصیان علیه نظام بورژوازی حاکم است.

واژه‌های کلیدی: شعر، تئاتر روایی، سیاست، جامعه، تحول فکری.

* نویسنده مسئول: E-mail: haddadi@ut.ac.ir

** E-mail: hassankhan@ut.ac.ir

۱- مقدمه

برتولت برشت^۱ شاعری را بیشتر یک نوع سرگرمی شخصی می‌دید و عمر هنری خود را بیشتر وقف تئاتر و تکوین تئاتر روایی^۲ کرد و به عنوان نظریه‌پرداز، نمایشنامه‌نویس و کارگردانی برجسته نقش اساسی در تحقق تئاتر مدرن ایفا کرد. برشت اشعار مستقل اندکی خلق کرده است و بسیاری از اشعار او جزئی انکار ناپذیر در نمایشنامه‌های او بوده و به عنوان یکی از ارکان مهم تئاتر روایی در جهت زدودن هیجان و غلیان احساسات تماشاگران و برانگیختن قوه تفکر آنان در مقابله با تئاتر سنتی ارسطویی بکار گرفته شده است.

نام برشت چنان با نمایشنامه و تئاتر روایی او عجین است، که به جهانیابی و تفکر برشت به عنوان شاعر در آلمان کمتر پرداخته شده و در ایران توجه چندانی بدان نشده است. بسیاری از آنچه در ایران در باب برشت نوشته شده است، نگاهی به برشت به عنوان یکی از نمایشنامه‌نویسان و تئوریسین‌های برجسته ادبیات نمایشی آلمان و جهان داشته است که با تکوین و تکمیل تئوری پویای تئاتر روایی به مقابله با تئاتر سنتی و به اصطلاح ارسطویی^۳ پرداخته است. اما اشعار برشت که تحت الشعاع نمایشنامه‌های وی قرار گرفته‌اند، از چنان غنا و عمق محتوایی برخوردار هستند که او را در ردیف شاعران موفق ادبیات معاصر آلمان نیز قرار می‌دهند.

اشعاری که برتولت برشت سروده و خلق کرده است، نشان‌دهنده‌ی خلاقیت و نبوغ بالای وی در ادبیات غنایی است. با این که در ایران هنوز اثر خاص و مستقلى نوشته نشده است که به تفکر برتولت برشت در اشعار وی نگاهی داشته باشد، اما تعدادی از اشعار این شاعر برجسته‌ی آلمانی به زبان فارسی ترجمه شده‌اند که در آشنایی فارسی زبانان با برشت شاعر تا حدودی کمک شایانی کرده‌اند. از جمله می‌توان به «من، برتولت برشت» با ترجمه بهروز مشیری و برگردان علی عبداللهی با نام «برشت، برشت شاعر» اشاره کرد. جستار ذیل با بررسی برخی از اشعار آغازین برتولت برشت در صدد است تا با اشاره به اشعار وی که سندی بر شیوه‌ی فکری او نسبت به مسایل سیاسی و اجتماعی روز هستند، جایگاه برشت را به عنوان شاعر در ادبیات آلمان نشان دهد. اشعار آغازین برشت بیانگر تفکر یک شخصیت ناراضی از مسایل سیاسی و اجتماعی دوران جنگ و سال‌های نخستین پس از جنگ اند و نیز از عصیان و

1. Bertolt Brecht

2. Episches Theater

3. Aristotelisches Theater

پرخاشگری سیاسی او و نگاه تند وی نسبت به مسایل مختلف سیاسی و اجتماعی روز حکایت دارند.

۲- بحث و بررسی

برشت در طول عمر هنری خود آثاری بسیار، هم در زمینه تئاتر و هم در زمینه ادبیات غنایی به رشته تحریر آورده است که هر یک نشان از جهانی‌بینی و نگرش و تحول فکری و سیاسی-اجتماعی او نسبت به مسایل سیاسی، اجتماعی و حتی اقتصادی روز دارد (برگ، ۱۹۹۸، ۱۴۱). برشت تئاتر روایی خود را در یک فرآیند طولانی به گونه‌ای تکوین و تکمیل کرد که تئاتر سنتی ارسطویی را عملاً واپس راند و بدین ترتیب انقلابی در تئاتر مدرن ایجاد کرد (حدادی، ۱۳۸۹). اما نه فقط تئاتر برشت، بلکه ادبیات غنایی او نیز همسو با جهانی‌بینی و نگاه سیاسی وی به احوال و تحولات روز، دستخوش دگرگونی و فرگشت بوده است.

اولین مجموعه شعری برشت مشتمل بر هشت قطعه در سال ۱۹۱۸ و با عنوان سرودهایی برای گیتار، از برشت و دوستان^۱ منتشر شد. برشت در این مجموعه نگاهی تند نسبت به جنگ و سال‌های نخستین پس از آن دارد و شیوه‌ی زندگی بورژوازی را که خود نیز پرورش یافته دامن آن بود، به سخره می‌گیرد و از شخصیتی سخن می‌گوید که غربت و انزوا و تکروری افسار گسیخته در آن موج می‌زند (ینس، ۱۹۹۸، ۷۱).

البته نگرش منفی و انتقادی برشت نسبت به مسایل سیاسی و اجتماعی روز (جنگ جهانی اول، پیامدهای آن و نظام بورژوازی و سرمایه‌داری حاکم که پس از پایان جنگ به شکلی دیگر در جمهوری وایمار ادامه یافت) فقط خاص برشت نبود، زیرا بسیاری از نویسندگان هم‌دوره‌ی وی نیز در آثار خود نگرشی بسیار منفی به رویدادها و نظام فکری حاکم داشتند (مولر، ۲۰۰۹، ۷۵). نگاه تند و پرخاشگرانه برشت در دوره نوجوانی و جوانی نسبت به مسایل اجتماعی و سیاسی روز باعث شد که او از شیوه‌ی متعارف و معمول در بیان شعر، که همانا نگاه لطیف، زیباشناختی، مخیل و پر رمزینه است، عدول کرده و همگام با شیوه‌ی فکری خویش شیوه‌ای غیر متعارف و غیر معمول در شعر، یعنی استفاده از زبان تند، خشن و صریح و حتی لمپن را دنبال کند.

یکی از اشعاری که بیانگر خشم نسل جوان آن روز نسبت به نظام بورژوازی است و از

1. *Lieder zur Klampfe von Bert Brecht und seinen Freunden*

نگرانی نسبت به مسایل سیاسی و اجتماعی روز و سقوط ارزش‌ها حکایت دارد و از سرخوردگان و مطرودین جامعه سخن می‌گوید (رهنما، ۱۳۸۸، ۳۷)، شعری با عنوان *مطرود به دلیلی موجه*^۱ است که مشخصه بارز زندگی برتولت برشت در این اوان و در راستای شیوه پرخاشگرانه او نسبت به بورژوازی حاکم در دوران جوانی اوست. با این شعر می‌توان به خوبی به عمق افکار این یاغی جوان و روح ماجراجو و سرکش وی در اولین سال‌های بلوغ فکری وی دست یافت:

مطرود به دلیلی موجه

من در میان مردمی محتشم بزرگ شدم.

والدینم

حمایلی به گردنم بستند،

به عادت مخدومان پرورشم دادند

و هنر فرمان راندنم آموختند.

اما چون به سن رشد رسیدم و اطراف را نگریدم،

دیگر نه مردمان طبقه‌ام به دلم می‌نشستند،

نه فرمان راندن و نه مخدوم بودن.

و چنین بود که طبقه‌ام را ترک گفتم و

با فرودستان نشستم.

شعر *مطرود به دلیلی موجه* تجلی باورهای ضد بورژوازی برتولت برشت و بیانگر سرکشی و طغیان او نسبت به ارزش‌های بورژوایی حاکم است و در ضمن تصویری از شخصیت او است در دوران پرآشوب زندگی در جنگل کلان‌شهرها که مشخصه اصلی نظام بورژوازی و سرمایه‌داری غرب در آن روزگار است (فریک، ۱۹۹۹، ۳۰). برشت از نوجوانی از خانواده متمدن و محتشم خود و شیوه تربیتی حاکم در چنین خانواده‌هایی که زائیده نظام بورژوازی دوره ویلهلمینسم^۲ آلمان و نمایندگان علم و اقتصاد نوین در این کشور بودند و در تقابل با شور و شوق ماجراجویی جوانان قرار داشتند، دلگیر و دل‌چرکین بود و از همان ابتدا در مقابل شیوه مرسوم تربیتی بورژوازی دست به شورش زد و این شیوه عصیانگری و طغیان رادر مدرسه و محیط

1. *Verjagt mit gutem Grund*

2. *Wilhelmismus*

اطراف خود نیز دنبال کرد و با شور و حرارت به اعتراض علیه باورهای حاکم پرداخت. برشت در شعر مطرود به دلیلی موجه در پس پرده مخالفت با باورها، اعتقادات و اندیشه‌های خانواده متمول و زائیده‌ی نظام بورژوازی خویش، خود در نقش یک شورشی که علیه جامعه‌ی بورژوازی و ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حاکم بر آلمان به پا خاسته است، ظاهر می‌شود و به مقابله با شیوه تریستی معمول و اندیشه‌ها و اعتقادات خانواده خویش و ارزش‌های حاکم بر جامعه بورژوازی آلمان که از کشورهای پیشرو در مدرنیته و اقتصاد نوین به شمار می‌رفت، برمی‌خیزد.

شعر مطرود به دلیلی موجه یکی از بهترین نمونه‌های شعری برشت برای درک روحیه‌ی پرخاشگرانه وی نسبت به بورژوازی حاکم در غرب است و می‌توان آن را در شمار اشعاری قرار داد که به صورت نمادین فضای حاکم در خانواده و محیط اطراف و مسیر زندگی او را به تصویر کشیده و خواننده را به زیبایی به چالش با نگرش تکرو و خودمحور شاعر نسبت به بورژوازی حاکم فرا می‌خواند (کوپمن، ۱۹۹۹، ۸۴).

بیشتر اشعار برشت در اولین سال‌های پس از جنگ جهانی اول رونمایی از شخصیت فکری او و در راستای به تصویر کشیدن خویشتن اوست و موضوعات شعری منتخب شاعر محملی برای واگویی‌های وی و در راستای به چالش کشاندن خواننده با مولفه‌های نظام بورژوازی و سرمایه‌داری غرب و ارزش‌های حاکم بر آن است. یکی از نمونه‌های شعری برشت در این باب، قطعه‌ای است با عنوان *هجو بیتی از زبان آنا*^۱ که بین سال‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۲۱ نوشته شده است. این شعر که پرخاشگری در آن موج می‌زند و از بکارگیری دژواژه‌ها و کلمات رکیک ابایی ندارد، شناخت دقیقی از شخصیت برتولت برشت در اولین سال‌های عمر هنری وی به دست می‌دهد. با عنایت به زبان ناپاک شاعر در این هجویه، ذکر ترجمه این قطعه از دیدگاه نگارندگان شاینده نیست و پیشنهاد می‌شود که خواننده علاقه مند خود به سراغ متن اصلی برود.

نکته قابل توجه در این شعر مولفه‌های بکار برده شده‌ای هستند که بی پرده از شیوه‌ی زندگی برشت در این دوران حکایت دارد. این شیوه زندگی را می‌توان به ویژه در شعر *از ب. ب. بیچاره* (در صفحات آتی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد) که نام خود وی را یدک می‌کشد، مشاهده کرد. برشت در این شعر پیراهن چرکین خود را در ایوان آویخته است و در

1. *Anna redet schlecht von Biti*

کنار پرده برداری از شخصیت خویش در دوره‌ی جوانی تیغ تیز هجوم خود را فقط متوجه‌ی نظام بورژوازی حاکم نکرده است، بلکه اشاره‌ای نیز به قربانیان این نظام و سقوط ارزش‌ها در نظام اجتماعی و سیاسی حاکم و دوران پس از جنگ دارد (فریک، ۱۹۹۹، ۲۴). نگاه برشت، نگاهی است آمیخته از فردگرایی افسار گسیخته و پریشانی خاطر و دل‌بستگی به مؤلفه‌هایی که نشانی از روح سرگردان شاعر دارد. در شعر *هجو بیتی از زبان آنا* می‌توان به وضوح دریافت که برتولت برشت شرایط نابسامان اجتماعی و سیاسی زمان و همسو شدن زندگی ساکنان آن را در یک ارتباط تنگاتنگ با نظام بورژوازی و سرمایه‌داری حاکم در غرب دیده است. در این جا لازم است به یکی از اشعار مهم برشت با عنوان *آلمان، ای زرین موی، ای رنگ باخته*^۱ اشاره کنیم که به وضوح از اوضاع نابسامان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و سقوط ارزش‌های اخلاقی در اولین سال‌های پس از جنگ جهانی اول حکایت دارد. او در این قطعه با نگاهی تند، جنگی را که سرزمین مادری وی (آلمان) را در پرتگاه تباهی قرار داده است، مورد حمله قرار می‌دهد، شعری که به روشنی بیانگر نگرش برشت به پدیده‌ی جنگ و شکواییه‌ی او از وضعیت دوران پس از جنگ جهانی اول است (کارچر، ۲۰۰۶، ۶۶).

آه آلمان، ای زرین موی، ای رنگ باخته

ای تو ابرآشفته، ای نیکو جبین!

چه هنگامه ای بود

در آن بی صدا آسمانت؟

کاین چنین اکنون بسان گور مرداری؟

و کرکسهاست بالا سر به پروازند!

ددانت میدرند اندام زیبا را.

و آن میرندگان آلوده می سازند

[...]

زمانی رودهای صاف و روشن بود

و اکنون زهرآگین از سموم نیل‌اندود است!

1. *Deutschland, du Blondes, Bleiches*

به دندان می‌کنند از جا
غلات و نبات را
ز فرط گشنگی، اطفال!
ولی مرغابیان در آب گندآلود
سرگرم شنا هستند.

آه آلمان، ای زرین موی، ای رنگ باخته
ای نه دیگر سرزمین ما!
ای پر از مرحوم و مغفوران!
ای پر از اموات!
دلت خواهد تپید آیا؟
دل بی جان تو، آن دل
که با ادویه جات کشور شیلی
نمکسودش نمودی
زان سپس سوداش کردی؟
هرگز و هرگز!
از این سودا چه سودی برده ای؟
- چند تایی پرچم و بیرق.

الا ای سرزمین مردگان، ای گور غمها!
گلوی خاطرات از شرم می‌گیرد،
ولی نوباوگان
که از دست تباهی جان بدر بردند
درون سینه شان
از خواب بر می‌خیزد
- آمریکا.

برشت در این قطعه با انتقاد از جنگ جهانی اول که آلمان را در پرتگاه تباهی قرار داده است، شرایط نابسامان سیاسی و اجتماعی بعد از جنگ را نشانه رفته است و

ضمن تشریح وضعیت حاکم بعد از جنگ از پیامدهای احتمالی در آینده‌ی نزدیک نیز سخن می‌گوید.

پرخاشگری، عصیان، رفتار ضد بورژوازی، تمسخر شیوه‌ی زندگی بورژوازی، غربت و فردگرایی افسار گسیخته در اشعار گنجانده شده در نمایشنامه‌های او نیز جایگاه ویژه‌ای دارند. در این اشعار که در خدمت تئاتر روایی برشت قرار گرفته و خواننده را به تفکر در باب مسایل سیاسی و اجتماعی روز تشویق می‌کند، خشم و ضدیت با نظام بورژوازی و جنگ و از سوی دیگر میل به دگرگونی در ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نظام حاکم نمودی عینی دارد. اولین نمایشنامه برشت زیر عنوان *بعل*^۱ مزین به شعری با عنوان *Choral vom Baal*^۲ است که شخصیت برشت در پس آن نهفته است:

همسرایی بعل

آن زمان که می‌باید
در دامن سپید مادر خود بعل،
آسمان بی رنگ و ساکت بود و پهناور
نیز نارس، شگفت انگیز و عریان بود،
هم از آن گونه که
خود بعل
چون بدین دنیا قدم بنهاد
دوستش می‌داشت.

آسمان

همراه رنج و شادی او بود،
به شب هنگام حتی،
که در خوابی خوش و آرام
نگاهش را به روی آسمان می‌بست.
شبانگهان

1. *Baal*

2. *Choral vom Baal*

ارغوانی رنگ آن‌یک،
این یکی سرمست.
سحرگاهان ولی هشیار و زاهد، بعل
آسمان اما:
گونه‌هایش زعفرانی رنگ.

و شبها می رود افتان و خیزان
رو به میخانه،
کلیسا و شفاخانه
با دلی آرام،
ترک می در سر.

بچه‌ها! این بعل
شاید خسته باشد،
غرق اما هرگز نخواهد شد:
به همراهش فروخواهد کشید او آسمانش را.

[...]

این شعر گنجانده شده در نمایشنامه *بعل* رونمایی از شخصیت فکری برشت در اولین دوره‌ی عمر هنری اوست و نشان از نگرش تند و پرخاشگر وی برای بیان حقایق تلخ اجتماعی و سیاسی و اقتصادی حاکم بعد از جنگ جهانی اول دارد. برشت در این قطعه با زبانی تند و زننده که در نگاه او بهترین شیوه برای مقابله با ناهنجاری‌های سیاسی و اجتماعی روز است، شخصیت خود را به تصویر می‌کشد.

بسیاری از اشعار دیگر گنجانده شده در نمایشنامه *بعل* نیز (که یکی از مهمترین نمایشنامه‌های اکسپرسیونیستی و آنارشستی اوست و تمثیل‌وار از فروریختن ارزش‌های اخلاقی و انسانی دنیای پس از جنگ جهانی اول حکایت دارد) بیانگر شخصیت پرخاشگرانه برشت نسبت به مسایل سیاسی، اجتماعی روز است و در راستای تفکرات یک یاغی خسته و

دل‌سرد از جامعه‌ای که فساد و تباهی در جای جای آن موج می‌زند و از مطرودین، سرخوردگان و محرومان جامعه داد سخن می‌راند، قرار دارد. یکی از مهمترین ویژگی‌های اشعار این نمایشنامه که در شعر اخیر نیز مشاهده شد، زبان صریح، بی‌پرده و تند برشت است.

طرز تفکر حاکم در نمایشنامه‌ی *بعل* و دیگر نمایشنامه‌های متقدم برشت که وی در آن‌ها ارزش‌های حاکم در جامعه پیرامون خود را مورد حمله قرار داده و با بیان تضادها و تناقضات موجود در دنیای پس از جنگ جهانی اول، خواستار دگرگونی و تغییر در ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است، حتی در اولین مجموعه اشعار برشت نیز که تحت عنوان *کتاب دعای خانگی* منتشر گشت، مشاهده شده است. برشت در این مجموعه شعر به انتقاد از ارزش‌های حاکم در جامعه بشری در زمان خود پرداخته است.

کتاب مواعظ خانگی^۱ اولین مجموعه شعری نسبتاً بزرگ برتولت برشت است که در سال ۱۹۲۷ منتشر شد و مهمترین اشعار وی را در طی سال‌های ۱۹۱۶ تا ۱۹۲۵ در بر دارد (کیت‌اشتاین، ۲۰۰۸، ۶۶) و نمونه ایست روشن از خط مشی نویسندگی و سیر شاعری برشت در دوره‌ی اول عمر هنری وی که در آن دیدگاه‌های اکسپرسیونیستی، آنارشستی و ضد بورژوازی مورد توجه قرار گرفته‌اند (ینس، ۱۹۹۸، ۷۱).

مجموعه شعر *کتاب مواعظ خانگی* بیانگر دیدگاه‌های متفکرانه یک رمانتیست جوان است (همان) و در پنج بخش از تعالیم به نام‌های *استغاثه‌ها*^۲، *عبادات*^۳، *گاه‌نماها*^۴، *مزامیر* و *سرودهای ماه‌گونی*^۵ و *لحظات کوتاه مردگان*^۶ و نیز *ضمیمه‌ای به نام از ب. ب. بیچاره*^۷ (منظور برتولت برشت بیچاره است) تقسیم شده است. *قطعه از ب. ب. بیچاره* که در سال ۱۹۲۲ نوشته و در سال ۱۹۲۷ در مجموعه شعر *کتاب مواعظ خانگی* برتولت برشت منتشر شده است. این قطعه بروشنی شخصیت برتولت برشت را در اوایل عمر هنری وی به تصویر می‌کشد. مطالعه این شعر و تفسیر آن کمک شایانی به درک دیدگاه‌های آنارشستی و ضد بورژوازی برشت در این دوره میکند، دوره‌ای که زمان خلق نمایشنامه‌هایی با گرایشات اکسپرسیونیستی و آنارشستی است:

1. Hauspostille
2. Bittgänge
3. Exerzitien
4. Chroniken
5. Mahagonnygesänge
6. Kleine Tageszeiten der Abgestorbenen
7. Vom armen B. B.

از ب.ب. بیچاره

من، برتولت برشت
از اهالی جنگل‌های سیاهم.
آن زمان که در تن او بودم
مادرم به شهرهایم درآورد.
و سرمای جنگل‌ها
تا روز انقراضم همراهم خواهد بود.

به شهر آسفالت خانه دارم.
از همان آغاز هم با ساز و برگ مرگ:
با روزنامه، سیگار با کنیاک.
اندکی شکاک، تنبل
دست آخر نیز هم خرسند.

مهربانم با خلق،
به رسم و عادت آنان،
بر سر کلاهی شق و رق دارم.
و می‌گویم که این مردم،
جانورهایی چه بد بوی‌اند.
و می‌گویم، چه باک از این،
که خود هم این‌چنین هستم.

[...]

ما، همه نسل سخیف،
در خانه‌هایی نشسته بودیم
که می‌انگاشتیم، خرابی بر نمی‌دارند
(چنین بود که خانه‌های دراز جزیره مانهاتان را ساختیم
و آنتن‌های باریکی را که مایه سرگرمی دریای اطلس بود)

از این شهرها آنچه می ماند، همان است که از میانش در گذر است: باد.

خانه مایه شادمانی اوست که آن را می خورد:
آری، او خانه را پاک تهی میکند.
می دانیم که چند روزه مهمانیم
و پس از ما آنچه می آید، در خور گفتن نیست.

هنگام زلزله‌هایی که خواهند آمد،
اگر از دستم برآید،
نمی گذارم سیگار برگ «ویرجینیا» یم از سر تلخی خاموش شود.

این منم، من برتولت برشت،
منی که به شهر اسفالت درافتاده ام،
از اهالی جنگل‌های سیاه،
در تن مادرم،
در روزگاری پیشین.

شعر/از ب. ب. بیچاره شاید یکی از نمونه های اصلی زبان برشت و یکی از بهترین نمونه‌های ادبیات غنایی او در به تصویر کشیدن شخصیت وی در اوایل عمر هنری اش باشد و از سوی دیگر می توان آن را یکی از کلیدی ترین اشعار وی برای درک سیر فکری او در اشعار این دوره دانست (کوپمن، ۱۹۹۹، ۸). این قطعه تجسم پرسشها و کنکاش های انسان مدرن است، انسانی که تنها و - شاید حتی - درمانده، در هزارتوی کلان شهرها این سوی و آن سو را می کاود تا شاید نشانی بیابد از روحی که مدتهاست از آنجا رخت بر بسته است.

برشت در شعر خود از فراموشی اخلاق در کلان شهرها و در عصر مدرن سخن می گوید (همان) و در صدد است که با شعر خود تمثیل وار چهره و رفتار یک فرد مستقل را که اساساً باید تعیین کننده سرنوشت خود باشد، به تصویر بکشد. این فرد اما در هیاهوی جنگل شهرها اسیر شده است و نکته مضحک در این است که نظام بورژوازی حاکم بر چنین فردی راه گم کرده، تکیه دارد. برشت باز می کوشد که از تناقضات حاکم در چنین جوامعی که با روحيات فرد همخوانی ندارند و در راستای زمان حرکت نمی کنند، پرده بردارد.

شعر/ز.ب.ب. بیچاره با خلق تصویری از شخصیت برشت در اوایل عمر هنری وی، نمایشگر یک نگاره تیره و آخر الزمانی است که یاس و نومیادی از آن می تراود، زیرا او خود نیز امیدی به آینده‌ای بهتر نداشت و می‌دانست که «پس از او آنچه می‌آید، در خور گفتن نیست.»

اما نکته‌ای را باید به دیده گرفت تا در ذهن خواننده این شائبه به وجود نیاید که برشت اساساً امید به آینده‌ای بهتر نداشت: برشت به ویژه در نمایشنامه‌های خود با بیان تضادها و تناقضات حاکم در پی ایجاد تغییر است. تغییری که در قاموس او به مفهوم تصحیح اطلاق می‌شود. وی که در جامعه سرمایه‌داری غرب عمر می‌سپرد، در این شعر نگاهش از نوع نگاه بیگانه‌سازی است، باشد که قوه تفکر خواننده را برانگیزد و او را به سمت و سویی سوق دهد که در پی راهکارهایی برای ایجاد تغییر (تصحیح) در جامعه باشد و امید به آینده‌ای بهتر داشته باشد.

در شعر/ز.ب.ب. بیچاره، کلان‌شهر در شکل و هیات جنگل نمود می‌یابد، که در آن فرد امکان دستیابی به خویشتن خویش و جایی برای نوعدوستی وجود ندارد. این نکته‌ایست که به ویژه در نمایشنامه در جنگل شهرها بروشنی به تصویر کشیده شده است. در این نمایشنامه نیز اضمحلال و نابودی فرد با پدیده کلان‌شهرها در ارتباط مستقیم قرار گرفته است و تجربه تلخ برشت در مورد زندگی در کلان‌شهرها به تصویر کشیده است. برتولت برشت همان گونه که در نمایشنامه خود در جنگل شهرها شهر مدرن را عرصه تنازع بقا می‌داند، تصویری که از کلان‌شهرها برای ساکنان آن ارائه می‌شود، بسیار آشفته و درهم است. برشت در قطعه/ز.ب.ب. بیچاره نیز از این دیدگاه خود عدول نکرده است.

در کنار شعر/ز.ب.ب. بیچاره، دیگر اشعار گنجانده شده در کتاب *موعظ خانگی* نیز به بهترین نحو بازتاب تفکر برشت در دوران جوانی و در طی اقامت وی در آوگسبورگ، مونیخ و برلین است. تعلیم اول به طور مستقیم احساسات خواننده را مورد خطاب قرار داده است. تعلیم دوم بیشتر به فهم و عقل خواننده تکیه می‌کند. تعلیم سوم برای روزهایی نوشته شده است که انسان خود را در دست نیروهای طبیعت می‌بیند. بخش چهارم یا تعلیم چهارم برای روزهای ثروت و تندرستی و غرور نوشته شده است. برشت خود می‌گوید که این بخش تنها به درد افراد معدودی می‌خورد. در زندگی انسان لحظات و ساعاتی هستند که آدمی به گذشته و در گذشتگان می‌اندیشد و از آنان یاد می‌کند، تعلیم پنجم مناسب برای این ساعات در نظر گرفته شده است. (برشت، ۱۹۸۲، ۹)

۳- نتیجه

در نگاهی عوامانه شاید برشت را نمایشنامه نویسی منتقد و مارکسیست دانست که تئاتر روایی وی در قرن بیستم باعث ظهور تحولی در عرصه نمایشنامه نویسی شده است. اما پس از انتشار «اشعار عاشقانه» وی در سال ۲۰۰۶ توسط «ورنر هشت» به شکل آشکارتری چهره شاعر فرصت تجلی می‌یابد. نویسنده و نمایشنامه نویسی که در طول عمرش چندان پاک‌زبان نبوده، طبیعی است که در سروده‌هایش نیز اسیر خود سانسوری نباشد. نه، بلکه زبانی را برمی‌گزیند که به زبان مردم کوچه و بازار نزدیک باشد و «من» شاعر بی‌پروا از احساسات و تجربیات خود بگوید.

با نگاهی گذرا به تاریخ نگارش اشعار برشت مراحل تحول فکری وی را در می‌یابیم. آنارشیستی جوان در گذر از این مراحل به مارکسیستی که به مبارزه با جامعه طبقاتی گرایش دارد و دست آخر به مردی آرمانگرا که به دنیا و عشق زمینی گوشه چشمی دارد مبدل می‌شود. اگرچه در درازنای این تحول فکری همواره از آثار برشت بوی بدبینی و ناپایداری به مشام می‌رسد اما در اشعار متاخر وی دلیل این همه بدبینی را نه در ناتوانی انسان که در شرایط سیاسی و اجتماعی باید جست.

کوتاه سخن این که برشت چه در نمایشنامه‌های خود و چه در اشعارش نسبت به مسایل سیاسی و اجتماعی روز موضعگیری کرده و نمایشنامه‌ها و اشعار او بیانگر جهانبینی و نگرش وی نسبت به مسایل سیاسی و اجتماعی روز بوده است. بررسی برگزیده‌ای از اشعار برشت در اولین سال‌های عمر هنری برشت نشان می‌دهد که وی با توجه با اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی روز دوران پس از جنگ جهانی اول و نظام بورژوازی حاکم از لحظ فرم و محتوی به گونه‌ای در اشعار خود پیش رفته است که بتواند آن‌ها را هم سو با جریانات سیاسی و اجتماعی روز قرار دهد. سیر تفکر برتولت برشت در اشعار اولیه‌ی برشت بیانگر آن است که او گرایشاتی نیهیلیستی، آنارشیستی و اکسپرسیونیستی داشته و با به سخره گرفتن شیوه‌ی زندگی بورژوازی از شخصیتی سخن می‌گوید که فردگرایی، غربت و سرکشی از آن هویداست.

۴- منابع

حدادی، محمدحسین، (۱۳۸۹)، *سیر تحول تئاتر روایی در نمایشنامه‌های برتولت برشت*،

انتشارات دانشگاه تهران. تهران.

رهنما، تورج، (۱۳۸۸)، سه نمایشنامه نویس بزرگ جهان. تهران

Berg, Günter/ Jeske, Wolfgang. (1998) : *Bertolt Brecht*. Stuttgart.

Brecht, Bertolt. (1982) *Bertolt Brechts Hauspostille*, Insel Verlag, Frankfurt am Main.

Frick, Werner: (1999), „Ich, Bertolt Brecht“, Stationen einer politischen Selbstinszenierung. In: Koopmann, Helmut (Hrsg.): *Brechts Lyrik – neue Deutungen*, Würzburg.

Hecht, W., (Hrsg.), (2006), *Bertolt Brecht: Liebesgedichte*. Frankfurt/Main.

Jens, Walter (Hrsg.), (1998), *Kindler Neues Literatur Lexikon*, Bd.3, München.

Karcher, Simon, (2006), *Sachlichkeit und elegischer Ton, Die späte Lyrik von Gottfried Benn und Bertolt Brecht – ein Vergleich*, Würzburg.

Kittstein, Ulrich, (2008), *Bertolt Brecht*. Paderborn.

Koopmann, Helmut (Hrsg.), (1999), *Brechts Lyrik – neue Deutungen*. Würzburg.

Müller, Klaus-Detlef, (2009), *Bertolt Brecht. Epoche – Werk – Wirkung*, München.

